



چگونه «فرهنگ و تمدن اسلامی را، زیر و رو کنیم؟»

(راه ها و وسایل علمی و عملی)

تحلیل ها و احتجاجات در باب اینکه «باید تمام داشته های فرهنگ و تمدن اسلامی را زیر و رو کنیم!1» و در غیر آن دنیای ما مسلمانان جز سرایشی انحطاط و سیاهی و تباهی چیزی در پیش رو نمی تواند داشته باشد؛ در گفتار پیشتر بنیاد روشنگری «گوهر اصیل آدمی»؛ فشرده شده و پیشکش گردید. نظر سمبولیک پر معنایی در باره آن؛ درج یکی از ویسایت ها گردیده که از پیشگاه تان می گذرد:

[مارس 17, 2016 در 9:51 ق.ظ](#)

استاد محترم. میگویند:

مسلمانی کور و فلج به حج رفت و به شیطان سنگ زد.

شیطان از او پرسید: چشمانت چه شده؟

گفت: خدا دادی کورم

شیطان پرسید: پایت چه شده؟

گفت: خدادادی فلجم

شیطان گفت: پس به من چرا سنگ میزنی؛ نادان!؟

رفته رفته تعداد این قسم مسلمانان 1400 ملیون نفر شده است.

تصادفاً در پیوند به موضوعی که انگیزه گفتمان پیشتر گردیده بود؛ نوشتار دیگری هم نظرم را جلب

کرد که عنوان دارد: «تلاش های روشنفکران دینی، قطعاً حلال مشکل مردم نیست»²

اینجا صرف لید(پیش درآمد) آنرا به مثابه نمای نظر نگارنده اش؛ درج میکنم:

«در حدود یک هفته قبل مقاله ای را تحت عنوان "چه باید کرد" در یکی از سایت های انترنتی افغانی

خواندم که نویسنده آن با درماندگی کامل، برای کاهش خشونت هایی که به نام دین و به دست دین داران

متعصب و سخت گیر در کشور ما انجام می یابد، دست به دامان روشنفکران دینی زده و از آن ها تقاضا

نموده بود تا با پیروی از اشخاصی مانند نصر حامد ابوزید و سروش و امثالهم اقدام به روشنگری در

میان مردم نمایند، برای ایجاد اعتدال در رفتار و کردار مردم، در تفسیر و برداشت دین، و اجتناب از

افراط گرایی دینی، بدون تعبد و تعصب دین را از نو و به گونه عقلانی، دلبپذیر و مطابق به اقتضای زمان

تفسیر و به مردم معرفی کنند»

اگر عزیزان بر این مقاله گذری نمایند؛ خواهند دید که باوصف نبود بُرش و قاطعیت در جهت گیری به

این یا آن جانب متناقض؛ دیدگاه غالب مطرح شده این است که کار و تلاش از ایستگاه دین و دینداری - و

اینجا؛ از ایستگاه اسلام و مسلمانی - «حلال مشکل مردم نیست» و در نتیجه بایستی خود دین را هدف

گرفت

این هم کمابیش معلوم است که مقصود نگارنده از «روشنفکران دینی»؛ جُهاَل مسلط دینی ی موسوم به «علما» و یا آنانی که در پی تطبیق دادن همه ریز و درشت زمان و مکان و بُعد ها و پدیده ها و جریانات عالم واقعی؛ با متن ها و اوهام سنگ شده استند؛ نمی باشد؛ بلکه منظور نحله هایی است که ذواتی مانند نصر حامد ابوزید و یا عبدالکریم سروش از آنها نمایندگی میکنند.

البته سخن این هم نیست که چنین محققان و روشن اندیشانی؛ اصلاً منشاء اثر بوده نمی توانند و یا در جامعه افغانی نمی توانند منشاء اثری گردند بلکه سخن بر سر آن است که چنین روشنفکران و روشنگران در جامعه افغانی موجود نیستند و نمی توانند و نمی خواهند بنابر خطرات جانی، پا پیش بگذارند و قد علم نمایند.

پس صغرای منطقی؛ این می شود که:

چون روشنفکران دینی موجود نیستند تا از درون دین به نقد و بهبود و بهشد آن؛ بپردازند؛

از آنجا که کبرا؛ این است که:

دین به معضل تبدیل شده و آلت دست افراط گرایان و تروریستان قرار گرفته.

پس در نتیجه:

باید خود دین را از اساس و ماهیت و علت وجودی آن؛ تجزیه و تحلیل و فاش و رد کرد تا یکسره

افراط گرایان شداد و قتال و تبهکار؛ خلع سلاح گردند!

متأسفانه چه بخواهیم و چه نخواهیم؛ چنین هوا و هوسی در مقام تمثیل؛ به آن می ماند که چون نمی

توانیم بر کوه؛ تونل زده از آن بگذریم؛ پس باید خود کوه را نابود سازیم و یا از آنهم واهی تر؛ اثبات و

اعلام کنیم که کوه ها جز بر آمده گی هایی در اثر فشار طبقات تکتونیک زمین؛ چیزی نبوده و نیستند و از

آسمان نازل نشده اند!!!

از آنجا که بنده هم در بحث بیشتر و هم در دیگر نوشته ها و آورده های خویش؛ بر ابعاد درون به درون و دیالکتیک پیچیده این موضوعات نسبتاً زیاد روشنی انداخته ام؛ از صرف وقت بیشتر به این مورد؛ معذرت میخوام.

ولی در راستای این پرسش که چگونه «فرهنگ و تمدن اسلامی را، زیر و رو کنیم؟» نیز می توان و باید از تمثیل پیشگفته؛ مدد گرفت.

باور بر این است که دین اسلام؛ آخرین دین آسمانی و پیامبر اسلام؛ خاتم النبیین است. به لحاظ تاریخی نیز؛ اسلام آئین و فرهنگ و در حد خود سیاست و دولرداری ایست که 1400 و اندی سال سابقه دارد و ادیان آمیخته با سیاست و قدرت دولتی و درگیر شده با جنگ ها و «جهاد» ها و کشور گشایی ها و امپراتوری سازی ها یعنی امپریالیسم کلاسیک؛ که با اسلام صدر و میانه و امروزین قابل مقایسه باشد؛ در تاریخ بشریت زیاد بوده است.

اگر از نمونه های نمرودی و فرعونی و خدا - پادشاهی های یونانی و رومی و چینیایی و جاپانی و هندی و ایرانی و میترایی و مایایی و تائویی و غیره بگذریم؛ تحلیل و تجزیه های انتقادی و باز شناسی های علمی و تحقیقی انجام گرفته در انبوه عظیم اساطیر و دوران های معلوم و مشخص تاریخی ادیان ماسبق یکتاپرستی ابراهیمی - یهودیت و مسیحیت -؛ ماقبل بر اسلام و همزمان با اسلام؛ داده های بیحد و حصری برای مطالعه و استنتاج و سرمشق گیری و رهیابی به ما ارزانی می دارند.

یعنی اینکه متون بنیادی اسلامی و سنت ها و روایات و روند ها و رویداد های عمر 1400 ساله این آئین و مدعیان آن؛ چیزی نیست که برای ما کدام دفرینه اسرار دست نیافتنی و نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل نشدنی باشد.

در حدود 80 درصد اساطیر و احکام و نواهی و حرام و حلال اسلامی یا عیناً یا با تفاوت های کمی در کتب و منابع و جوامع پیروی ادیان پیشین ابراهیمی؛ موجود و مطرح بوده و بنابر این به ویژه از دوران

روشناس و روشنگری در اروپا تاکنون مورد بحث و بررسی و نقد و ارزیابی از زوایای گوناگون و در پرتو معارف مختلف فلسفی و منطقی و شناخت های علمی و سایننتفیک قرار گرفته است.

تحقیقات انجام گرفته اسلام شناسی و مطالعات انبوه در مورد محیط ظهور اسلام و جغرافیا و قبایل شبه جزیره عربستان ماقبل اسلام و مقارن آن هم؛ گنجینه های معتنابهی فراهم کرده است که به برکت فنون و تکنولوژی طبع و ترجمه و کتابت و ضبط صوت و سینما و رادیوتلوویزیون و تسهیلات الکترونیکی و کامپیوتری و ستلایتی... عالمگیر می باشد و تقریباً هیچ حد و سدی در برابر دسترسی به آن ها وجود ندارد.

در همین حال؛ چنان نیست که در جهان اسلام هم کلیه دست ها به زیر زانو و کلیه دماغ ها سرطاقچه بوده و هیچ تحرک و تلاش و دستاوردی به مصداق نقد و بررسی و ارزیابی و کشف و استنتاج و تجزیه و تحلیل از درست و نادرست و سیاه و سفید صورت نگرفته باشد. بلکه این جریان خروشنده و سد ناپذیر علی الوصف همه انواع استبداد و شقاوت حکام و سلاطین و متعصبان و مرتجعان سیه مغز؛ همراه با قربانی ها؛ پیوسته ادامه داشته و در یکی دو قرن اخیر کیفیت و غنای دراماتیک و انقلابی و جهانی کسب نموده است.

اگر نه همه؛ اقلأ قسمت بسیار مهم این ثروت های معرفتی انسانی؛ محصول «تلاش های روشنفکران دینی» در غرب و شرق عالم است؛ و درین سلسله دستاورد های «روشنفکران دینی» جوامع فارسی و عربی به معنای مثبت و مترقی و علمی و عادلانه کلمه؛ بالقوه و به لحاظ تأمین شناخت و معرفت و تکانه ها برای بیداری و هشیاری و آگاهی ی مردمان مسلمان و به ویژه جوانان آنها حتی به مرحله اشباع و کفایت رسیده است. فقط باید اینهمه ثروت معرفتی را دریافت و آموخت و خلاقانه رهنمای عمل قرار داد.

تحت چنین اوضاع و احوال واقعی و موجود و مبرهن و مسجل؛ اینگونه فرمایشات که «تلاش های روشنفکران دینی، قطعاً حلال مشکل مردم نیست» به طور اسفناکی از محدودیت فکری و اطلاعاتی و کج اندیشی در مورد مقولات و مفاهیم معینه خبر میدهد.

اگر که «تلاش های روشنفکران» که مسلماً در مراحل اولیه تاریخی مانند پروتستانت ها؛ همه و در مراحل بعد تر اکثراً «دینی» بوده است، در سایر کشور ها و سرزمین ها و از جمله در اروپا و امریکا بالاخره حلال مشکل مردم شده است که انکار پذیر نیست؛ پس چرا در افغانستان به طور قطع و مطلق و تا ابدالدهر «حلال مشکل مردم» نباشد و «حلال مشکل مردم» شده نتواند!؟

با عطف به تمثیل فوق الذکر؛ اگر مجموعه باور ها و عادات و عنعنات و سنن و زایده ها و خرافه ها و جهل و جادو و جمل را که رویهمرفته؛ به گونه فرهنگ و روحيات ناخالص اسلامی طی قرون تراکم یافته است؛ کوهی به بلندا و عظمت هندوکش یا هیمالیا هم فرض کنیم؛ باز هم برای عبور از آن به وادی های شاداب صلح و همزیستی و آزادی و آبادی و امنیت و تساوی حقوقی و حیثیتی انسانی؛ به تونل زنی ها و سایر تکنیک های عبور و مرور نیازمندیم.

اینکه توهم کنیم که اساساً خود کوهساران را خورد و خمیر و نفی و نابود کنیم؛ همانا خیال است و محال است و جنون!

چنانکه برای تونل زنی ها و سرک کشی ها از دل کوه ها؛ (و هکذا برای ساخت گذرگاه های سرکوهی یا راه انداختن ترانسپورت هوایی) امروزه؛ نمی نشینیم که تمامی انجیرری و تخنیک و مصالح و ماشین آلات و مهارت و تخصص لازمه آنرا حتماً و حتماً از خود و از درون جغرافیای افغانستان فراهم نمائیم؛ برای موارد دین شناسی و اسلام شناسی و روانشناسی ی مردمان و تجدید سازماندهی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و معنوی و...و... هم بایستی از تمامی تجربه ها و یافته ها و دانش ها و داشته های همزبانان و هموعان در گرد و نواح کشور و دور دست ها بهره وافر و وافی بگیریم!!

به هر حال؛ اینجا با تقدیم دو نمونه عینی و در دسترس کار روشن‌گرانه «روشنفکران دینی» از دو موضع متفاوت؛ می‌خواهم عزیزان را هم به واقعیت مدعا و هم به اوجگیری در مدارج بلند تری دعوت نمایم.

کم و بیش 50 روز قبل؛ یکی از دوستان گرانقدر که شخصیت اجتماعی - فرهنگی برازنده ای استند؛ چنین ندایی در داده بودند:

Moh Salim

[بهمن ۱۴، ۱۳۹۴ at ۱۵:۷ ق.ظ](#)

کتاب نقد قرآن

دکتر سُها

از دانشمندان گرانقدر خود مان ، خواجه بشیر احمد انصاری و محمد عالم افتخار و دیگر دانشمندان علوم اسلامی ، می‌خواهم در مورد این نقد عالمانه تبصره کنند و ارزش این نوشته تاریخی و بی مانند را بیطرفانه و با فراخنگری ، مورد ارزیابی قرار دهند....3

بنده که بنا بر کاوش گری های مطالعاتی خود؛ مدت ها پیش از اینکه ویسایت های معین افغانی کتاب «نقد قرآن» را به نشر بسپارند؛ آنرا به دست آورده و مورد خوانش و تفکر قرار داده بودم؛ از این خواست آن دوست گرامی؛ چندان غافلگیر نشدم.

ایشان با اینکه کتاب مذکور را «نوشته تاریخی و بی مانند» پنداشته اند؛ باز هم؛ از «دانشمندان اسلامی» تقاضا نموده اند تا در مورد؛ ارزیابی به عمل آورند؛ این؛ به نظرم نشانگر آن است که دیدگاه «دانشمندان

اسلامی» که میتواند قسماً همان «روشنفکران دینی» باشند؛ در مورد؛ محرز و به دلایلی؛ «ضرورت» است.

البته سزاوار سپاسگذاری من است که آن جناب؛ در زمره «دانشمندان اسلامی» مورد نظر شان؛ این کمترین را نیز نامگیر فرموده اند. اما در هر حال تعریف دانشمندان اسلامی و از جمله روشنفکران دینی - اسلامی در جامعه ما؛ به راستی؛ خیلی ها اشکال دارد.

تنها موضوع عبارت از این نیست که تا کنون در عرف ها و قرار داد ها و قوانین افغانستان و حتی فراتر از آن تعریفی عام شمول از «دانشمندان اسلامی» و از «روشنفکران دینی - اسلامی» وجود ندارد و یا اصطلاح «علمای اسلامی» که به لحاظ لغوی همان «دانشمندان اسلامی» معنی میدهد؛ اصلاً به ملا ها و مولوی های معلوم الحال اغلب جهل اندیش و جهل آموز اطلاق میشود؛ معهذا فحوای کلام جناب موصوف؛ بیانگر معنای متفاوت و چه بسا متضاد در زمینه می باشد.

یعنی کسانی که تنها حافظان و زنجیریان اقوال و روایات نبوده بلکه در متون استنادی و تاریخ عملی و دیگرگونی پذیرفته و تطبیقی اسلامی (در زمره جمیع باور ها و ادیان بشر از ابتدا تا به امروز)؛ احاطه و چه بسا تبحر دارند و می توانند آنها را در پرتو دانش های معاصر و کشفیات ساینس و تکنولوژی این زمانی و این جهانی نیز معنایابی و سنجش و نقد و بررسی بدارند.

به هر حال؛ به منظور اجتناب از درازای سخن؛ عرض میکنم که از دید این جانب؛ اقامه نظر در مورد کتاب ها و نوشته هایی که از هر زاویه در مورد دین و دینیات و منجمله اسلام پرداخته شده است و می شود؛ مستلزم آگاهی های ژرف و روشنیبانه وسیع نسبت به خود این واقعیت های معنوی و روانی ی بشری است.

تا جاییکه من دریافته ام؛ کتاب «نقد قرآن» دکتور سها؛ اثر کدام آدم تصادفی و بی معلومات و کم معلومات نبوده بلکه دقیقاً چنانکه خود اشعار داشته است؛ اثر یک تحصیلکرده در علوم اسلامی به عالیترین

سطوح می باشد یعنی دکتور سها هم ملا و مولوی به تمام معنای مطلوب است و هم متفکر و اندیشمند بخرد و نقاد و حساس و دراک و کشاف و در عین حال صاحب منطق بلند علمی و توان سرشار ادبی و تألیفی و تالیفی.

هم خود دکتور سها و هم کتاب «نقد قرآن» و چند اثر دیگرش که من دیده ام؛ در نحله ای از روشنفکران دینی و روشنفکری دینی و اسلامی؛ تصنیف می گردد و نه در کدام نحله بیرون از این مفهوم.

به تصریح دیگر؛ نویسنده کتاب «نقد قرآن» کدام مستشرق و منتبع و محقق اروپایی و مسیحی و یهودی و روسی و مماثل ها نبوده بلکه مسلمانزاده و مسلمان کیش و صاحب بالاترین مدارج تحصیلات اسلامی و حوزه ای جهان اسلام است و با طی تمامی این مرتبه ها؛ با نگرش نقادانه ای که متدرجاً پیدا میکند؛ به دریافت ها و قضاوت هایی می رسد که در کتاب هایش منعکس شده است.

تا جاییکه حرف بر سر منطق و موازین علمی و تحقیقی است؛ بنده نمی توانم ایراد چندانی به نگاشته ها و نظرات این شخصیت دانشمند داشته باشم ولی از نگر من؛ در مورد شخصیت های اساطیری - تاریخی چون حضرت محمد پیامبر و پیامبر شاه اسلام و کتاب مقدسی چون قرآن؛ سلسله ملاحظات فراعلمی و ماورا منطقی هم وجود دارد و گذشته از اینها؛ سنجه ها در باره حضرت محمد من حیث بانی یک دین و آیین توحیدی در محیط شرک و بت پرستی عربستان یک و نیم هزار سال قبل و بنیانگذار یک دولت درین سرزمین عجیب و غریب که تا آنوقت فاقد نظامات اداری و دولتی بوده و اصولاً به دوران تاریخی تمدن پا نگذاشته بود؛ نمیتواند عیناً مانند شخصیت های عصر حاضر باشد.

فکر میکنم جناب دکتور سها در همین رابطه دچار موضعگیری ها و قضاوت هایی شده است که قسماً مکانیکی می نمایند یا ابعادی از واقعیت های عینی یا ذهنی و معنوی را به محاسبه نیاورده یا با کاستی در حساب آورده است و لهذا مخرج های معادلات شان توسط قواعد و جبر ها و «متغییر» های زمانی و مکانی یکسره هم آنگونه که مرقوم داشته اند؛ درست حاصل نمی آید.

برای آنکه من شرح دهم که چه می‌خواهم بگویم؛ ناگزیر باید در مورد کتابی بنویسم که عجالتاً مقذور نیست ولی می‌پندارم که با در معرض مقایسه گذاشتن کتاب دیگری با کتاب «نقد قرآن» شان خواهم توانست؛ خوانندگان محترم را به خیلی از نقاط نظر و ملاحظات خویش نزدیک بگردانم.

اثر مورد مقایسه؛ کتاب «23 سال»؛ نگارش و تألیف مرحوم علی دشتی 4 می باشد که از حسن تصادف؛ ورژن صوتی آن نیز قابل دسترسی است*.

هم مختصر بودن کتاب و هم گویا بودن آن؛ کار مطالعه و ورود در آن و مقایسه اش با کتاب هایی همانند «نقد قرآن» را خیلی ها راحت و دلپذیر می گرداند.

خواننده اگر دقت کافی بدارد؛ در می یابد که مرحوم علی دشتی قریب تمامی موارد اصولی را که جناب دکتور سها در «نقد قرآن» با شرح و بسط بیشتری؛ به آنها پرداخته اند؛ در کتاب 23 سال انتقاد صریح و مؤکد می نماید و تمامی آنچه را که غلات و جُهاَل و متعصبان و زور گویان اسلامی؛ به ناحق پیرامون قرآن و شخصیت محمد پیامبر؛ جعل و تزویر کرده و در نتیجه مسخ و انحطاط مُردابی را بر جوامع اسلامی تحمیل نموده اند؛ افشا و بر ملا میدارد و معهذاً نه تنها نقش تاریخی و مقام معنوی برجسته پیامبر اسلام و قرآن را نفی نمی کند؛ بلکه بهترین و درست ترین ارزیابی ها در باره را که اکثراً بکر و ناب و بی پیشینه است؛ ارائه میدهد.

گرچه در حالات جوامعی مانند امروز افغانستان؛ درک و هضم و تحمل هر دوی این کتاب ها آسان نیست ولی به مرور زمان؛ عوام و خواص ما اگر نه خود کتاب «23 سال» بل یقیناً شیوه و میتود برخورد با مسایل و موضوعات را که در آن هست؛ عادلانه تر و سازنده تر و منطبق تر با نوامیس تاریخ و انسانیت در خواهند یافت و طرف پذیرش و پیگیری (اقبال و استقبال) قرار خواهند داد.

رویکرد ها و بروز رسانی:

1- <http://www.vatandar.at/eftkhar263.htm>

1 - <http://homayun.org/?p=63930>

3 - <http://homayun.org/?p=63037>

دانلود کتاب «نقد قرآن (ویرایش دوم)» نوشته «دکتر سها»
بر لینک زیر کلیک کنید.

[naghde-quran-2](#)

کتاب نقد قرآن (ویرایش نخست)

[دانلود با لینک مستقیم](#)

4 - کتاب بیست و سه سال

علی دشتی

پیشگفتار (بهرام چوبینه)

الف (محمد):

۱ - تولد قهرمان

۲ - کودکی

۳ - رسالت

۴ - بعثت

۵ - پس از بعثت

ب (دین اسلام):

۱ - محیط پیدایش اسلام

۲ - معجزه

۳ - معجزه قرآن

۴ - محمد بشر است

ج (سیاست):

۱ - هجرت

۲ - شخصیت تازه محمد

۳ - ایجاد اقتصاد سالم

۴ - جهش به سوی قدرت

۵ - نبوت

۶ - زن در اسلام

۷ - زن و پیغمبر

د (متافیزیک):

خدا در قرآن

ه (پس از محمد):

۱ - خلافت

۲ - سودای غنیمت

۳ - خلاصه

.....

[دانلود با لینک مستقیم](#)

* ورژن صوتی (گویای) کتاب 23 سال:

دانلود از سرویر MediaFire (با کیفیت عالی):

[بخش اول](#) / [بخش دوم](#) / [بخش سوم](#)

[دانلود از سرویر MediaFire \(به صورت یکجا و کیفیت متوسط\)](#)

گونه صوتی پس از دانلود و خارج کردن از زیپ و پوشه با هر قسم ایم پی 3 پلییر(صدا پخش کن)؛

مانند پارچه های آوازخوانی؛ قابل شنود میگردد.